

نقش دعا در زندگی

اصغر طاهرزاده

فهرست

- ۳ معنی دین و دینداری
- ۵ دعا؛ گذر از غربت به انس
- ۷ خصوصیات ادعیه اسلامی:
- ۸ آثار دعا بر روح انسان
- ۱۱ زیارت و آثار تربیتی آن
- ۱۳ آموزش‌های دعا
- ۱۵ آموزش‌های اجتماعی در دعا
- ۱۶ آموزش‌های عرفانی در دعا
- ۱۷ آموزش‌های اقتصادی
- ۱۸ آداب و شرایط دعا و نیایش
- ۲۰ شروط تأثیر دعا
- ۲۴ چگونگی بهره‌گیری از دعا در تعلیم و تربیت
- ۲۹ زیارت
- ۳۹ آداب زیارت امام رضا علیه السلام

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

«اللَّهُمَّ أَخْرِجْنِي مِنْ ظُلُمَاتِ الْوَهْمِ، وَ أَكْرِمْنِي بِنُورِ الْفَهْمِ، اللَّهُمَّ
افْتَحْ عَلَيْنَا أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَ انْشُرْ عَلَيْنَا خَزَائِنَ عُلُومِكَ، بِرَحْمَتِكَ
يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»^۱

پروردگارا! مرا از تاریکی‌های وهم (باطل را به جای حق پنداشتن)
خارج گردان، و به نور فهم و بصیرت بزرگم بدار. پروردگارا! درهای
رحمت خودت را بر من بگشای، و درهای خزینه‌های علوم خودت را
بر من باز فرما، به رحمت خودت ای بالاترین رحمت‌کنندگان.
در واقع ما در دعای قبل از مطالعه، جهت علم خود را روشن می‌کنیم،
که علمی می‌خواهیم تا الهی باشد و موجب بصیرت ما گردد.

معنی دین و دینداری

اول باید انسان متوجه معنی خودش روی این زمین بشود تا کارهایش
واقعاً بی‌نتیجه نگردد و از انجام کارهای با معنی برای خود غافل نباشد و
در این راستا وقتی انسان متوجه شد که تماماً و بالذات مخلوق است و هر
مخلوقی تمام وجودش از خالقش است و این واقعیت را به عمق قلب خود

رساند، و نیز وقتی متوجه شد در تمام واقعیتش بنده خدا است، و اصل انسان بندگی است، و هر چه از بندگی خودش فاصله بگیرد، از اصل خود فاصله گرفته، معنی دین و دینداری برای او معلوم می‌شود، و متوجه می‌شود دین یک هدیه الهی است به بندگان، تا بندگان از اصل خود غافل نشوند و در متن دین راه ارتباط با خدا از طریق دعا، اوج برگشتن به اصل خود است و در متن دین خداوند است که به همه ابعاد انسان توجه شده و «انسان به وسیله راز و نیاز با خداوند خویش، خواستار پیوند روح و جان و فطرت با مبدء و منشاء جدا گشته از آن است» و خداوند از طریق دین و در متن دین از طریق دعا تربیت واقعی انسان را محقق می‌سازد، تا انسان سرگشته و سرگردان در بیابان زندگی چون قطره آبی تبخیر نگردد و از اصل خود جدا بماند.

همچنان که جوجه میل به دانه خوردن دارد و در ضمن این دانه خوردن به مرغ شدن می‌رسد، انسان فطرتاً میل به پرستیدن کمال مطلق دارد و ضمن عمل پرستیدن، به مقصد اصلی خود که معرفت بیشتر به خداوند، و اتصال به عالم الهی است، می‌رسد.

فطرت توحیدی داشتن انسان‌ها، یعنی روح انسان با خدا آشنا است، و خدا مطلوب جان همه انسان‌ها است، و میل به حق، عمیق‌ترین و پایدارترین بُعد انسان است، چون ریشه در فطرت او دارد و نه در غریزه. و نیایش، نگهداشتن این میل پایدار است تا انسان در اصالت انسانی خود بماند و از فطرت خود به سوی غریزه سقوط نکند.

دعا؛ گذر از غربت به اُنس

بنا به گفته علامه محمد تقی جعفری «رحمة الله عليه»:

«انسان در دنیا یک احساس غربت دارد و با نیایش با خدای جاودان، آن غربت را به اُنس مبدل می‌کند و از هراسِ اضمحلال در این دنیای بی‌حد و مرز می‌رهد.»^۲

انسان موجود ضعیفی است و لذا خداوند در وصف او می‌فرماید: «خُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا»^۳ و از طرفی هیچ انسانی این نقص خود را نمی‌خواهد و به دنبال کمال است، و از طرفی خداوند کمال مطلق است، لذا هر انسانی ذاتاً طالب خداوند است، یعنی میل به کمال در وجود انسان او را اولاً؛ به سوی خداوند راهنمایی می‌کند. ثانیاً؛ او را از نقص خود به سوی کمال خود می‌کشاند. و این خشوع و خضوع در مقابل کمال مطلق در «نیایش» محقق می‌شود، و به گفته شهید مطهری «رحمة الله عليه» «شرافت گوهر انسانیت در دعا واقع می‌شود».

قرآن می‌فرماید: «مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»^۴ یعنی؛ ما جن و انس را نیافریدیم مگر برای این که عبادت کنند. پس با عبادتِ خداوند خلقت انسان برای انسان معنی‌دار می‌شود و طبق این آیه، چون انسان برای تربیتی خاص خلق شده است و هم او باید ابعاد مختلف خود یعنی، «فطرت» و «عقل» و «عواطف» خود را در جهت همین تربیت، تجهیز و

۲ - کتاب «نیایش حسین (علیه السلام) در صحرای عرفات» ص ۸

۳ - سوره نساء آیه ۲۸.

۴ - سوره ذاریات آیه ۵۹.

تهییج کند، دعا جهت دهنده این عواطف، و پیوند دهنده وجود ناقص انسان، به ذات مقدس احدیت است، و آیا تربیت واقعی انسان جز این است که انسان را به خداوند متصل کند و آیا مقصد خلقت که عبادت است، مقصد عبادت به غیر از این اتصال باید باشد؟

دعا و نیایش یکی از راههای رسیدن به رستگاری، و رهاننده انسان از ورطه تنگ مادی به سوی وادی بیکران خزائن الهی است. دعا؛ موجب رسوخ حبّ الهی در دل و زداینده زنگ غفلت از روح و قلب انسان است. غفلتی که از جانب عده‌ای از مسلمانان نسبت به دعا شده این است که دعا را تنها محملی برای دریافت حوائج می‌دانستند، و به جنبه‌های سلوکی و تربیتی آن کمتر توجه کرده، و آن را صرفاً به یک امر ثواب و مستحب تبدیل نموده‌اند، در حالی که باید اثر واقعی دعا را در تأثیر جنبه‌های معنوی که در شخصیت فرد دعا کننده می‌گذارد، جستجو کرد به طوری انسان خاکی را به همسایگی افلاک سیر می‌دهد و دل او را از کدورت دنیا به صفای عالم غیب نزدیک می‌کند.

وظیفه متفکران جامعه است که نقش واقعی دعا را برای جوانان روشن نمایند، تا متوجه شوند که دعا‌های اسلامی و به خصوص دعا‌های ائمه علیهم‌السلام درس بزرگ زندگی است آن هم یک زندگی واقعی که باید هر انسانی از آن بهره‌مند شود. در اسلام به ما آموزش داده‌اند دعا کنیم و حاجات خود را با خدا در میان بگذاریم و نقص‌های روحی خود را به محضر حضرت حق ارائه دهیم و از او در جهت رفع آن‌ها کمک بخواهیم. فرموده‌اند:

«الدُّعَاءُ سِلَاحُ الْمُؤْمِنِ، وَ عَمُودُ الدِّينِ، وَ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ»^۵ یعنی؛ دعا اسلحهٔ مومن، و موجب استواری دین او، و نور آسمان‌ها و زمین است، چون از طریق دعا با وسوسه‌های شیطان مقابله می‌کند و دین خود را که عامل ایجاد رابطهٔ او با حق است، حفظ می‌کند و می‌تواند در زمین و آسمان درست ببیند و عمل کند.

امام خمینی «رحمة الله علیه» می‌فرماید:

«آیا دیده‌اید اهل دعا، و کسانی که مداومت به دعا داشته باشند، این کارهای ناپسند که بعضی‌ها انجام می‌دهند، آن‌ها هم انجام دهند؟ بیشتر کسانی که محکومیت یافته و در زندان‌ها محبوس می‌باشند، افرادی هستند که با دعا سروکار ندارند.»

خصوصیات ادعیهٔ اسلامی:

این دعاها اولاً؛ با الفاظی بلیغ و رسا ادا شده که در تهذیب نفس، تأثیر ویژه خواهد داشت. ثانیاً؛ دارای تعالیم لطیف و روحانی دگرگون‌کننده است چون عمیق‌ترین لایهٔ وجودی انسان را به حرکت می‌آورد. ثالثاً؛ با توجه به حالت خاصی که بین بنده و مولایش ایجاد می‌کند و قلب انسان را به طرف قطب هستی سوق می‌دهد، اثر تربیتی بی‌نظیری خواهد داشت. اگر به دعا درست توجه شود می‌توان ادعا کرد دعا بذری است در زمین معرفت که نتیجهٔ آن تهذیب نفس و قرب به حق است، چرا که تنها از طریق ناله و مناجات می‌توان به حریم حرم حضرت حق راه یافت. در

دعا انسان از «دین دانی» وارد مرحله «دین داری» می شود و در واقع انسان از طریق نیایش با حق، خود را از تماشاگری در دین، به بازی گری در دین می رساند. پس دعا عبارت است از مذهبی که جنبه عمل به خود گرفته است.

آلکسیس کارل در کتاب مشهور نیایش می گوید: «نیایش؛ مثل خوردن و آشامیدن، نیاز جان و روح انسان است تا جان به شکفتگی لازم خود دست یابد».

آثار دعا بر روح انسان

موارد زیر به طور فهرست وار به عرض عزیزان رسانده می شود، چرا که اصل موضوع را در خود ادعیه می توانید ملاحظه کنید.

الف- اطمینان و آرامش قلبی: روح موجودی است آسمانی و مجرد که از طریق ارتباط با خدا، در واقع به اصل خود برمی گردد، به همین جهت خدا در قرآن می فرماید: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» یعنی؛ آی انسانها! با یاد خدا آرامش قلبها را به دست آورید و از پوچی برهید. چرا که از آن طریق خواسته های شما آسمانی می شود و اسیر دیوارهای تنگ مادی نخواهید شد.

کسی که اهل دعاست علاوه بر اسباب طبیعی، متوجه اسباب های معنوی شده و لذا وقتی اسباب ظاهری از کار ایستاد راه امید به خدا برایش باز است و از یأس بی جا می رهد.

ابن سینا می گوید: گاهی نفس در شرایط خاص می تواند از طریق ارتباط با عالم غیب نقش هایی را بپذیرد که در راه علاجش به او کمک کند.^۷ یعنی روح راه صلاح خود را می شناسد و با ارتباط با عالم غیب آن راه را به دست می آورد و دعا زمینه پیدا کردن راه اصلاح نفس از طریق ارتباط با عالم غیب است.

آلکسیس کارل می گوید: البته درباره بیماری که با دارو و یا خود به خود درمان پذیرند، شناختن اثر واقعی دعا دشوار است، فقط در مورد بیماری که تمام تلاش های درمانی بی نتیجه مانده می توان درباره اثر درمانی دعا قضاوت کرد و اثر آن غیر قابل انکار است، چه خود بیمار دعا کند و چه اطرافیان برای او دعا کنند.

امام خمینی «رحمة الله علیه» می فرماید:

وقتی راه چاره جویی از اسباب ظاهری کوتاه شود، آنگاه خدا یک راه امیدی به روی بندگانش باز کرده که یکسره از خدا و اسباب غیبی مأیوس نشوند و دل را یکسره به طبیعت نبندند و از خدای عالم غافل نشوند.

ب- ایجاد معنویت و عرفان: پیامبر ﷺ و ائمه علیهم السلام در موقع بیان احکام شرعی در حد فهم شنوندگان سخن می گفتند، اما هنگامی که با پروردگارشان به مناجات و دعا می پرداختند گنجینه های عظیمی از معارف بود که از قلعه وجود آن عزیزان سرازیر می شد و لذا است که ادعیه خزینه های گرانقدری از معارف هستند که باید به آنها توجه خاص شود،

۷- «کتاب اشارات»، نمط دهم نقل از کشف الاسرار ص ۱۹۳.

نمونهٔ چنین خصوصیتی را در مناجات‌های خمسه عشر یا دعای ابو حمزه ثمالی یا مناجات شعبانیه می‌توان یافت. به امید روزی که دعا‌های شیعه ابتدا به‌عنوان متون درسی آموزش داده شود تا محتوای عمیق آن‌ها معلوم گردد و سپس از طریق آن ادعیه با خدا به راز و نیاز پردازیم.

ج- پرورش عواطف: علاوه بر قوه عاقله و قدرت استدلال که باید در انسان پرورش یابد، عواطف انسان که ریشه آنها قلب است، نیز باید رشد کند، و ادعیه‌ای که از قلب مبارک امام معصوم علیه السلام صادر شده، در ایجاد عواطف الهی و محبت و عشق به خداوند و اولیاء او و ایجاد بغض نسبت به دشمنان حق، تأثیر اساسی دارد تا از آن طریق عواطف او متعادل گردد.

د- ایجاد احساس قرب الهی و اعتلاء: انسان عابد و زاکر با مداومت بر ذکر و نیایش، موجبات تقویت ایمان و زنده شدن نیروی فطری خود را فراهم می‌آورد و از آن طریق نظر جانش از مادیات به سوی معنویات گردانده می‌شود و لذا دل با محبت به حق از حاکمیت وجه حیوانی خود آزاد می‌گردد و میل گناه در او می‌میرد.

ه- انس و پیوند اجتماعی: با توجه به این که انسان موجود اجتماعی است، از طریق تزکیه و دعا وجه محبت به مردم و روح خدمت به خلق در او تقویت می‌شود و در یکی از ابعاد دعا انسان از خدا می‌خواهد که انس بین انسان‌ها و ایجاد نیکی بین آنها به دست او انجام گیرد، چون چنین کارهایی را وسیلهٔ قرب الهی برای خود می‌شناسد.

و- کسب فضائل اخلاقی و مسیر صحیح زندگی: وقتی عابد آرزوها و خواسته‌های خود را از زبان انبیاء و اولیاء - که بهترین لحظات خود و دقیق‌ترین

سخنان خود را با مناجات بیان کرده‌اند- بخواهد، نه در محدودهٔ تنگ مادی می‌ماند، و نه از تعادل انسانی پای را بیرون می‌نهد، یعنی نیایشی که از طریق معصومین علیهم‌السلام انجام می‌شود، با ترسیم تابلویی از زشتی‌ها و خوبی‌ها، راه‌های رسیدن به رستگاری واقعی را به انسان می‌نمایاند و افق‌های بلند وجود را در منظر انسان قرار می‌دهد.

زیارت و آثار تربیتی آن

زیارت امام معصوم و یا امامزادگان، زیارت روح‌های آزادی است که قدرت تصرف در قلب زائر خود دارند و زائر را به بهره‌هایی از مقام عالی خود میهمان می‌کنند، چرا که زائر به میهمانی آن‌ها رفته است.

وقتی زیارت را در فرهنگ مخصوص به خودش بشناسیم که با سیاحت و سیر و سفر فرق اساسی دارد و زائر امام به صرف دل دادگی به امام پای در راه زیارت می‌گذارد، متوجه می‌شویم که چگونه زائر از این طریق؛ مس وجود خود را به طلا تبدیل می‌کند. لذا امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: «هر کس به عنوان زیارت به سویم آمد روز قیامت شفیع او خواهم شد». همچنان که در روایات داریم؛ زیارت امام حسین علیه‌السلام ثوابی برابر بخشودگی گناهان گذشته و آینده دارد.

اولاً: زیارت تجسم جهان‌بینی یک مسلمان است که متوجه است می‌توان با امام - هر چند رحلت کرده باشد- ارتباط پیدا کرد و رمز و راز بندگی را به نور آن حضرت در جان خود شعله‌ور نمود. ثانیاً: موجب تحکیم مبانی ولایت و امامت ائمه علیهم‌السلام، و نفی ولایت طاغوت است تا

هرچه بیشتر برای شخص زائر روشن شود چقدر بر برکت است وقتی این ذوات مقدس بر قلب افراد و نظام اجتماع حاکم باشند. ثالثاً: با توجه به متون زیارات؛ زیارت امام، سیر در عالم برزخ و قیامت از یک طرف و انابه و استغفار زائر در محضر حق از طرف دیگر و مفتخر شدن به شفاعت ائمه از طرف ثالث است. رابعاً: توجه به مظلومیت ائمه که چگونه انسان‌های بزرگی را از حاکمیت و هدایت جامعه محروم نمودند و زمینه نمایش عظمت‌های آن‌ها را از آن‌ها ربودند و این توجه به مقام الهی آنهاست آنگاه که می‌گوئی:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ، وَ مَوْضِعِ الرَّسَالَةِ، وَ مُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ وَ مَهْبِطِ الْوَحْيِ، وَ مَعْدِنِ الرَّحْمَةِ، وَ خُزَانِ الْعِلْمِ، وَ مُنْتَهَى الْحِلْمِ، وَ أُصُولِ الْكُرْمِ، وَ قَادَةَ الْأُمَّمِ...»^۸ یعنی؛ سلام بر شما ای اهل بیت نبوت و محل رسالت و جایگاه رفت و آمد ملائکه و محل نزول وحی و معدن رحمت و خزینه علم و نهایت حلم و پایه‌های کرم و پیشوای امت‌ها...».

خامساً: زیارت‌نامه‌ها در عین مباحث قبل، در نگاه‌داشتن نام و یاد امامان و بیان حقایق، مانند اعلامیه دفاعیه از آن بزرگواران عمل می‌کند. و هزاران هزار برکت دیگر که در زیارت ائمه معصومین علیهم‌السلام نصیب زائر می‌گردد، از استقبال ملائکه گرفته تا تصرفات معنوی امام و بدرقه ملائکه تا آنجا که زائر از همه گناهان پاک شود و به وطن خود برگردد.

آموزش‌های دعا

همچنان که قبلاً عرض شد علاوه بر آثار مثبت روحی و قلبی که دعا به بار می‌آورد، دعا را باید تبلیغ و تعلیم معارف اسلامی دانست که با مضامین عالی و فصاحت و بلاغتی بی‌نظیر از زبان معصومین برای مردم بیان گردیده است. از جمله:

در عقاید، آنجا که امام هفتم علیه السلام در دعای سریع‌الاجابه می‌فرمایند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَطَعْتُكَ فِي أَحَبِّ الْأَشْيَاءِ إِلَيْكَ وَهُوَ التَّوْحِيدُ»^۹ خدایا: من در محبوب‌ترین امور که آن اعتقاد به یگانگی تو است، تو را اطاعت می‌کنم. در واقع توجه به یگانگی خداوند را اصل قرار می‌دهد، یا در متون ادعیه مکرراً توجه به نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله و این که قلب از طریق دعا به راحتی می‌تواند متوجه نبوت و معاد شود، مطرح است.

در رابطه با مقام ائمه شخص دعاکننده اعتقاد دارد و اقرار می‌کند «يَأْمَنُ مَنْ رَكِبَهَا وَيَغْرَقُ مَنْ تَرَكَهَا، الْمُتَقَدِّمُ لَهُمْ مَارِقٌ وَالْمُتَأَخِّرُ عَنْهُمْ زَاهِقٌ»^{۱۰} و اللازم لَهُمْ لَاحِقٌ» یعنی؛ آن کس که سوار بر کشتی اهل‌البيت شد و به آن سفینه‌های نجات پناه برد، از غرق شدن در دنیا و از گرفتار شدن در اخلاق رذیله، نجات می‌یابد، و هر کس آنها را ترک کرد غرق می‌شود، هر کس از آنها پیشی گرفت مارق و از هدف گریخته شد و هر کس از آنها فاصله گرفت از دست رفت، و هر کس با آنها همراه شد، به مقصد

۹ - مفاتیح‌الجنان، دعای سریع‌الاجابه.

۱۰ - دعای روزهای ماه شعبان.

رسید. لذا است که متوجه می شویم حیات و زندگی ایده آلی که متناسب عالم انسانی است، زندگی ای شبیه اهل بیت علیهم السلام است و لذا از خداوند تقاضا می کنیم: «اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَحْيَايَ مَحْيَا مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ مَمَاتِي مَمَاتَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ».^{۱۱}

در دعا پایه اعتقاد به معاد را تثبیت می کنیم آنگاه که مثلاً در دعای عدیله می گوئیم: «... وَ أَشْهَدُ أَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ وَ مُسَاءَلَةَ الْقَبْرِ حَقٌّ وَ الْبَعْثَ حَقٌّ وَ الشُّوْرَ حَقٌّ وَ الصِّرَاطَ حَقٌّ وَ الْمِيزَانَ حَقٌّ وَ الْحِسَابَ حَقٌّ وَ الْكِتَابَ حَقٌّ وَ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَ النَّارَ حَقٌّ وَ أَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَ أَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ...» و یا به همین منظور در دعا می گوئیم: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِسْتِعْدَادًا لِلْمَوْتِ قَبْلَ حُلُولِ الْفَوْتِ، وَ الْإِنَابَةَ مِنَ الدُّرُورِ إِلَى دَارِ السُّرُورِ».^{۱۲} یعنی؛ خدایا! از تو تقاضا می کنم آمادگی برای مرگ را قبل از آن که فرصت ها از دست برود و توجه به عالم نشاط ابدی را با انصراف از عالم مجازی دنیا.

در دعا؛ ذاکر و مناجات کننده گاهی آنچنان مرغ جانش را اوج می دهد که از خدا می خواهد از همه چیز دلش کنده شود و چشم دل او فقط به نور حق منور شود و جانش به معدن عظمت حق وصل گردد تا آنجا که در حالت فنا قرار گیرد و روحش در عز قدس حق، معلق و پیوسته گردد و از خود هیچ نداشته باشد، الا تعلق به حق. می گوئی: «الهی

۱۱ - زیارت عاشورا

۱۲ - مفاتیح الجنان، اعمال شب بیست و هفتم ماه مبارک رمضان

هَبْ لِي كَمَالَ الْإِنْتِطَاعِ إِلَيْكَ، وَ أَنْرْ أَبْصَارَ قُلُوبِنَا بَضِيَاءَ نَظَرِهَا إِلَيْكَ، حَتَّى تَخْرِقَ أَبْصَارُ الْقُلُوبِ حُجُبَ النُّورِ، فَتَصِلَ إِلَى مَعْدِنِ الْعِظْمَةِ فَتَصِيرَ أَرْوَاحُنَا مُعَلَّقَةً بِعِزِّ قُدْسِكَ»^{۱۳}.

آموزش‌های اجتماعی در دعا

در دعا از خداوند می‌خواهیم نسبت به اجتماع بی‌تفاوت نباشیم و بتوانیم به آنها خیر برسانیم. مثلاً در دعای مکارم‌الاخلاق مطرح شده‌است و نیز در دعا از خدا می‌خواهیم که در پرورش فرزندانم موفقم گردان، «... وَ أَعِنِّي عَلَى تَرْبِيَّتِهِمْ وَ تَأْدِيبِهِمْ وَ بَرِّهِمْ»^{۱۴}. یعنی؛ خدایا! در تربیت و تأدیب و نیکی کردن به فرزندانم مرا یاری فرما. که نشان می‌دهد اولاً: دعاهای اسلامی چگونه نسبت به سرنوشت افراد جامعه و تعالی آنها توجه خاص دارد. ثانیاً: متوجه است که در این کار علاوه بر برنامه‌ریزی‌های لازم باید با نور و مدد الهی این امر مهم عملی گردد. که گفت:

دعای گوشه‌نشینی که عافیت طلبداگر هزار نماید یکی اثر نکند

آموزش سیاسی در دعا

با توجه به این که زندگانی پیامبران و ائمه علیهم‌السلام از سیاست جدا نبوده، در دعاهایشان به بقیه به نحوی آموزش سیاسی می‌داده‌اند، و در همین رابطه ما در دعا خود را متوجه همین سیاست‌مداری واقعی ائمه علیهم‌السلام می‌کنیم. آنگاه که در زیارت جامعه می‌گوئیم: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ، ... وَ

۱۳ - مناجات شعبانیه.

۱۴ - دعای ۲۵ صحیفه سجادیه.

أَوْلِيَاءِ النَّعْمِ، وَ عَنَّا صِرَ الْأَبْرَارِ وَ دَعَائِمَ الْأَخْيَارِ، وَ سَاسَةَ الْعِبَادِ، وَ أَرْكَانَ الْبِلَادِ...» یعنی؛ سلام بر شما ای اهل بیت نبوت، و ای صاحبان نعمت واقعی و ای اصل و اساس نیکان عالم، و ستون برگزیدگان و رهبران سیاسی بندگان و اساس شهرها و کشورها. در واقع شما در این فراز از زیارت اقرار می کنید که ائمه معصومین علیهم السلام در سیاست و کشورداری باید اصل و اساس جامعه باشند، و به واقع همه حرکات ائمه علیهم السلام در عین عبادی بودن، سیاسی و اجتماعی است. حال چه سکوت حضرت علی علیه السلام و چه صلح امام حسن علیه السلام و چه قیام امام حسین علیه السلام و چه نیایش های امام سجاد علیه السلام، و این روحیه در ادعیه آن بزرگواران نمایان است. امام سجاد علیه السلام در دعای به مرز داران حساسیت خودشان نسبت به امور اجتماع را به خوبی نشان داده اند. چرا که اسلام دین جامع و کامل است و لذا هم انسان را از عالم غیب و قیامت محروم نمی کند و هم از اجتماع و سرنوشت اجتماع غافل نمی نماید.

آموزش های عرفانی در دعا

در ادعیه گوناگون داعی ضمن تقاضای قرب و رضوان الهی، با چشم دل به تماشای جلوه های حق موفق می گردد و ندا سر می دهد که: «الهی لا تُغْلِقْ عَلَی مُوحِّدِکَ أَبْوَابَ رَحْمَتِکَ، وَ لَا تَحْجُبْ مُشْتَاقِکَ عَنِ النَّظَرِ اِلَی جَمِیلِ رُؤُوسِکَ»^{۱۵} پروردگارا درهای رحمت را بر روی موحدان در گاهت میند، و از مشتاقان نظر به جمیل توجه و نگاهت، محجوب مباش. و بدین

شکل اسراری عرفانی به دعاکننده آموزش داده می‌شود و جهت روح و قلب او را تا اوج لقاء حق سوق می‌دهد.

آموزش‌های اقتصادی

داعی متوجه است رعایت اصول اقتصادی و میانه‌روی در مصرف، در سرنوشت خود و جامعه‌اش بسیار مؤثر است، و جامعه در شرایط اقتصادی صحیح، بستری جهت صعود معنوی انسان، می‌شود. لذا تقاضا می‌کند: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاحْجِبْنِي عَنِ السَّرْفِ وَالْإِزْدِيَادِ، وَ قَوِّنِي بِالْعَدْلِ وَالْإِقْتِصَادِ، وَعَلِّمْنِي حُسْنَ التَّقْدِيرِ، وَأَقْبِضْنِي بِلُطْفِكَ عَنِ التَّبَذِيرِ، وَأَجِرْ مِنْ أَسْبَابِ الْحَلَالِ أَرْزَاقِي»^{۱۶} یعنی؛ الهی! درود فرست بر پیامبر ﷺ و آل او، و مرا از زیاده روی باز دار، و به بخشیدن و میانه روی توانایم ساز و قوامم بخش، حسن تقدیر و برنامه ریزی در معاش را به من بیاموز، و از بی جا خرج کردن بازم بدار،^{۱۷} و روزی‌های مرا در وسایل حلال جاری و ممکن بگردان که از طریق حلال رزق خود را به دست آورم.

علت این که دعاکننده تقاضای رزق حلال می‌نماید چون متوجه است رزق حلال چه برکاتی در روح خود او و در تعادل جامعه خواهد داشت.

۱۶ - صحیفه سجاده دعای سی‌ام.

۱۷ - «اسراف»؛ زیاده روی در مال است در آنچه شایسته است، و «تبذیر»؛ زیاده روی در صرف مال است در آنچه پسندیده نیست.

آداب و شرایط دعا و نیایش

امام صادق علیه السلام می فرماید: «آداب و شرایط دعا را حفظ کن و بدان که چه کسی را می خوانی و برای چه می خوانی». ^{۱۸} که آداب آن عبارت است از:

الف: ابتداء دعا به بسم الله و حمد خداوند و صلوات بر پیامبر و آل او علیهم السلام چرا که آن حضرت فرمودند: «كُلُّ امرٍ ذِي بَالٍ لَمْ يُبْدَأْ بِبِسْمِ اللَّهِ فَهُوَ أَبْتَرٌ» ^{۱۹} یعنی؛ هر امری که با بسم الله شروع نشود، بی نتیجه خواهد ماند. امام صادق علیه السلام می فرماید: «هر کس حاجتی نزد خدای عزوجل دارد، پیش از آن که نیاز خود را بر زبان آرد، لازم است نخست بر پیامبر صلی الله علیه و آله و آل او صلوات بفرستد و در پایان آن را تکرار کند، همانا خداوند عزوجل بزرگ تر از آن است که اول و آخر دعا را قبول کند و وسط دعا را مورد توجه قرار ندهد. زیرا صلوات بر محمد و آل او هیچ گاه رد نخواهد شد». ^{۲۰}

خواندن خداوند به اسماء حسنی موجب جلب رحمت الهی خواهد شد، همچنان که نام مقدس پیامبر و ائمه علیهم السلام چنین نقشی را دارد.

ب: آرام و پنهان یاد کردن؛ خداوند می فرماید: ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَ خُفْيَةً ^{۲۱} یعنی؛ پروردگار خود را در حال تضرع و بی سرو صدا بخوانید.

۱۸ - «مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة»، (ترجمه حسن مصطفوی) ص ۷۷.

۱۹ - «بحار الانوار»، ج ۹۲، ص ۲۴۲.

۲۰ - «اصول کافی»، باب صلوات بر محمد و خاندانش.

۲۱ - سوره اعراف آیه ۵۵.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «هر کس خدای عزوجل را در نهران یاد کند ذکر خدا بسیار کرده است».^{۲۲}

ج: طهارت و استعمال بوی خوش؛ امام صادق علیه السلام می فرماید: «پدرم هر گاه حاجتی داشت به هنگام زوال خورشید از خدا می طلبید، چون آماده نیایش می شد چیزی پیش روی خود می نهاد، سپس آن را صدقه می داد و سپس بوی خوش استعمال می کرد» در ضمن استفاده از انگشتر عقیق در حال دعا توصیه شده، همچنان که از وضو و بوی خوش در استجابت دعا کمک می گرفتند.

د: انتخاب زمان و مکان مناسب: از جمله زمان ها و مکان های مناسب که جهت دعا توصیه شده عبارتست از: شب قدر، ماه رجب و شعبان، عید فطر و قربان، دهه اول ذی حجه، روز عرفه، روز جمعه، هنگام ریزش باران، بین اذان و اقامه، هنگام سجده، موقع سحر و افطار، بعد از تلاوت قرآن، هنگام طلوع فجر، محل خانه کعبه، صحرای عرفات و مشعر، مساجد، حرم ائمه، قبور شهدا و...

ه - دعا کردن دسته جمعی: امام صادق علیه السلام می فرماید: «پدرم هر گاه حاجتی داشت زنان و اطفال را جمع می کرد و دعا می نمود و آنها آمین می گفتند»^{۲۳} تا در واقع حاجت را همه بخواهند، و نیز فرموده اند، دعا را عمومیت دهید و همه را دعا کنید که به اجابت نزدیک تر است.

۲۲ - «اصول کافی»، باب ذکر خدا در نهران.

۲۳ - «اصول کافی»، باب عمومیت در دعا.

و- مداومت بر دعا و انجام فرائض و نوافل: یاد خدا را در دل زنده نگاه داشتن و استمداد از او در رفاه و آسایش موجب پذیرش دعا در حالت گرفتاری است. امام ششم می فرماید: «اگر شما خدا را در آنچه امر فرموده اطاعت می کردید هر آینه شما را اجابت می کرد، لکن معصیت او می نمایند، پس شما را اجابت نمی کند».

از جمله آداب دعا: ۱- اعتراف به گناه، ۲- خواندن دو رکعت نماز، ۳- حسن ظن و امید به اجابت، ۴- بلند کردن دست موقع دعا ۵- کشیدن دست به صورت پس از دعا ۶- صحیح خواندن و کم و زیاد نکردن ۷- یارب گفتن ۸- اداء کردن حق الناس قبل از دعا ۹- خودداری از پر خوری و فحاشی ۱۰- روبه قبله نشستن ۱۱- ذکر حاجات به طور کامل ۱۲- بلندهمتی و خواسته های بزرگ و اساسی از خدا خواستن.

شروط تأثیر دعا

الف- معرفت: از حضرت صادق علیه السلام سؤال شد «چه علتی دارد که دعا می کنیم و مستجاب نمی شود؟» فرمودند: «زیرا کسی را می خوانید که او را نمی شناسید» پس هر قدر داعی بیشتر متوجه وسعت رحمت و نظام متقن پروردگار شود و به واقع او را منجی در همه مهالک بداند خود را به اجابت نزدیک کرده است.

ب- آمادگی قلبی و اخلاص فرد: امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «خدای عزوجل دعای کسی را که دل او مشغول به غیر حق باشد قبول نمی کند». ۲۴

لذا باید قلب از اندیشه‌های باطل و کینه و حسد و اشتغالات دنیایی پاک باشد و آماده جلب غفران ربوبی گردد، علی‌الکلیه بهترین دعا را دعائی دانسته است که از سینه پاک و دلی پرهیزکار برآید. «انقطاع الی الله» که دل از همه چیز و همه کس بریده باشد، همراه با سوز دل، اتصال را ممکن می‌نماید به طوری که پیامبر ﷺ فرمودند: «خداوند به من خبر داده که به عزت و جلالم سوگند که آنچه را که اهل گریه درک کردند عبادت کنندگان درک نکردند».^{۲۵}

ج- عدم مخالفت با سنن تکوین: طالب حاجت نباید امید داشته باشد توازن دستگاه خلقت به خاطر او برهم بخورد، لذا بدون تلاش لازم دعا مستجاب نخواهد شد، به طوری که ائمه علیهم السلام هم جنگ می‌کردند و هم در حین جنگ دعا می‌نمودند و گرنه دعا را باز یچه میل های خود قرار داده‌ایم.

د- خواستن با تمام ذرات وجود: شهید مطهری «رحمة الله علیه» می‌فرماید: «واقعاً شخص دعاکننده، آنچه را می‌خواهد باید به صورت یک احتیاج و حاجت درآید، همان‌طور که اگر در یک نقطه بدن یک احتیاجی پیدا بشود تمام اعضاء و جوارح شروع می‌کنند به فعالیت و حتی ممکن است یک عضو به مقدار زیادی از کار خود بکاهد برای رفع احتیاجی که در فلان نقطه پیدا شده است».^{۲۶} احتیاج روحی و معنوی انسان نیز نسبت به کل جهان چنین است، روح انسان جزئی است از عالم وجود که اگر واقعاً

۲۵ - «اصول کافی»، باب گریه.

۲۶ - «بیست گفتار»، ص ۲۲۸.

خواهش و احتیاجی در وجودش پیدا شود، دستگاه عظیم خلقت الهی به آن بی محلی نمی کند، مگر این که دل و زبان هماهنگی نداشته باشد.

ه - قطع امید از تمام وسایل و امیدواری به او: نیایش واقعی موقعی است که انسان از تمام وسائل شناخته شده قطع امید کرده و تنها مؤثر و سبب ساز حقیقی را خداوند متعال دانسته و تأثیر را نیز از او بداند، بفهمد که موجودات نه در ذات مستقل اند و نه در تأثیر، یعنی توجه به توحید در ذات و صفات و افعال، در این حالت است که دعا به هدف اجابت خواهد نشست. علامه طباطبائی «رحمة الله علیه» در ذیل آیه ۱۸۶ سوره بقره که می فرماید: «وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ» یعنی؛ چون بندگان من از تو در مورد من سؤال می کنند، من نزدیکم و اجابت می کنم دعای دعاکننده را، آنگاه که مرا بخواند؛ می فرمایند: آیه شریفه شرطی برای اجابت بیان نکرده و به تعبیر دیگر می توان گفت: دو شرط برای تحقق اصل دعا مطرح فرموده است. ۱- اینکه دعا تنها با زبان نباشد بلکه نیاز واقعی فرد و با همه وجود باشد. ۲- تقاضایش واقعاً از خداوند باشد، نه این که به زبان از خدا بخواهد ولی در قلب توجه به اسباب دیگر داشته باشد.

و- تعلق گرفتن حکمت بالغه الهی بر آن: در مقام اشکال گفته اند: «خداوند حکیم است و آنچه باید بکند را می کند و لذا درخواست از او معنی ندارد». در حالی که باید متوجه بود دعا و استجاب دعا نیز جزئی از قضا و قدر خداوند حکیم است و از عوامل مؤثر در نظام آفرینش است و موضوعی مخالف و خارج از آن نیست، بنا به فرمایش

علامه محمد تقی جعفری «رحمة الله عليه»: «همان خداوندی که به آتش خاصیت سوزاندگی داده است، برای روح انسان، آن قدرت را داده است که اگر ارتباط صحیح با قدرت مطلقه خداوندی برقرار کند سوزندگی آتش را با خاصیت روح، که قوی تر از آن است سلب کند».^{۳۷} پس دعا در صورت نبودن موانع تأثیر خود را می گذارد.

از حضرت امام صادق علیه السلام سؤال کردند: آیا خداوند نمی فرماید دعا کنید تا برای شما اجابت کنم، در حالی که افراد مضطری را می بینم که دعا می کنند و به اجابت نمی رسد و مظلومانی را می بینم که از خدا پیروزی بر دشمن را می طلبند ولی آنها را یاری نمی کند. امام فرمودند: وای بر تو، هیچ کس او را نمی خواند مگر این که اجابت می کند. اما دعای ظالم مردود است تا توبه کند، و اما صاحب حق هنگامی که دعا کند اجابت می فرماید و بلا را از او برطرف می سازد به طوری که گاهی خود نمی داند. و یا آن را به صورت ثوابی فراوان برای روز نیازش به آن، برایش ذخیره می کند، و هرگاه چیزی را بندگان تقاضا کنند که مصحلت آنها نباشد خودداری فرماید».

از دیگر شروط تأثیر دعا، آلوده نبودن به گناه است، چنان که حضرت در دعای کمیل می فرمایند: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ الدُّعَاءَ» یعنی؛ ببخش گناهانی را که دعا را حبس کرده و مانع بالا رفتنشان می شود. و از دیگر شروط ۱- ایمان و اعتماد کامل به استجاب دعا ۲- اصرار و

الحاح در دعا ۳- برطرف کردن موانع ۴- خودداری نکردن از تلاش و کوشش ۵- دوری از یأس و گمان نیک به خداوند داشتن و...

چگونگی بهره‌گیری از دعا در تعلیم و تربیت

از آن جایی که دین، غذای جان هر انسانی است و در تحرک‌های روحی و اجتماعی نقش اساسی می‌تواند داشته باشد و کمک دین موجب می‌شود که انسان از دست تئوری‌های فردی و اجتماعی من‌درآوری و وهمی رها شود. ضروری است که دعا در تعلیم به افراد مبنای اصلی قرار گیرد و چون بنا به تعبیر شهید مطهری «رحمة‌الله‌علیه» انسان آینده، انسان فرهنگی است. و عصر آینده مسلم عصر حاکمیت دین و دین باوری است، پس باید فرهنگ فرزندان جامعه مان را «فرهنگ دینی» قرار دهیم تا در فرهنگ منحنض ضد دینی امروز غرب فرو نروند. بنا به فرمایش شهید مطهری «رحمة‌الله‌علیه»: «آنچه پیامبران عرضه داشته‌اند چیزی نیست که بشر بتواند نسبت به آن بی تفاوت باشد، چیزی است که طلب آن در سرشت انسان نهفته است، باید گفت فطرت، اساس و حقیقت روح انسان است و تأمین نیازهای روحی بالاترین اهمیت را دارا می‌باشد. نیازهای فطری انسان همان نیاز به خداوند و یا مذهب الهی است. عمدتاً این نیاز در دو چیز یا در دو بعد مطرح است: ۱- فطرتِ احساسی یا نیایش، که همان ناله‌های انسان به جهت دوری از منشأ و مبداء خویش است. ۲- فطرتِ شناختی یا ادراکی، و تمایل به دین و مذهب است که در صورت عدم پاسخ به آن، فرد به پوچی

دچار می‌گردد». پس باید روش‌های تربیتی ما براساس فطرت انسان‌ها باشد و توجه به آن دو بعدی که مطرح شد، موضوعات تربیتی را تدوین نمائیم. در تعلیم و تربیت باید توجه داشت که علاوه بر بعد شناختی و علمی انسان باید بعد احساسات و عواطف فرد را نیز جهت داد و چون جوان با عواطف و احساسات، بیشتر سر و کار دارد و با عاطفه بیشتر تحریک می‌شود، ادعیه با مضامین عاطفی و اظهار خشوع و خضوعی که در برابر خداوند بوجود می‌آورد، خاستگاهی جز قلب که عاطفه نیز به آن نظر دارد، ندارد و لذا موجب جواب‌گوئی به عطش درونی انسان و ابزاری برای رفع نیاز و نجات یافتن از اضطراب‌هاست، حتی نیایش در اثر تداوم و اخلاص، فرد را تا مقام کشف و شهود حقایق غیبی می‌برد و به مراحل از تربیت وارد می‌کند که انسان تمام مقصد و مقصود خود را دریافت کرده می‌یابد.

باید با اعتقاد به نقش تربیت دینی، فضای خانه و مدرسه و شهر با شعارها و ادعیه و جلسات دینی آکنده باشد، روضه‌خانی‌ها تلقین شهادت‌ها و شهادت‌هاست، جلسات ادعیه در مراکز تربیتی و مسجد، تعالی‌دادن روح است تا آستان مقدس خداوندی، ارتباط با مساجد و زیارتگاه‌ها سیردادن جان است از جهان محدود ماده به جهان بیکرانه و سراسر حیات غیب، وقتی دعا در مراکز آموزشی و تربیتی با عنایتی خاص مطرح شود، انسان به طور غیر مستقیم ضمیر خود را با آن معانی عالی هماهنگ می‌کند و به تربیت صحیح دست می‌یابد. عمده آن است که مسؤلان تعلیم و تربیت ما خودشان به اهمیت دعا دست یابند و راه برخورد منطقی با آن را

خوب بشناسند، و عالم خود و جوانان را عالمی قرار دهند که آن عالم، با دعا احیاء و اشباع گردد.

وقتی متوجه شویم تمدن جدید انسان‌ها را از نقطه‌های انس با عالم ملکوت محروم داشته و در واقع عالم انسان مدرن، بی‌عالمی است، هر روز به کاری است و در عین حال سرگشته و تنهاست، اهمیت انس با عالم ملکوت از طریق دعا را خواهیم شناخت. عمده آن است که بخواهیم عالمی داشته باشیم و در عالم خود بخواهیم با خدا به سر ببریم و اینجاست که فرهنگ ما، فرهنگ دعا خواهد شد.

شرح زندگی آنهایی که نخواستند زندگی را با سر به هوایی بگذرانند و در بی‌عالمی به سر نبردند و سعی کردند عالم خود را عالمی دینی قرار دهند برای جوانان مفید است، و در واقع وجود چنین اشخاصی با این همه آرامش و حکمت، دعوت انسان‌هاست که به عالم دین وارد شوند.

به پیامبر ﷺ بنگریم که چگونه در عالم معنا بین خود و خداوندش حرف‌ها و ناله‌ها داشت. پیامبری که تمام اصول تاکتیکی جنگ را رعایت می‌کرد، در مناجات با پروردگارش آنقدر می‌گریست که نمازگاهش از اشک عشقش سیراب می‌گشت و گاه می‌شد که از شدت گریه بی‌هوش می‌شد، با آن همه خُلق نیکو در نیایش خود همواره می‌گفت: «اللَّهُمَّ حَسِّنْ خُلُقِي»، خدایا اخلاقم را نیکو گردان «اللَّهُمَّ جَنِّبْنِي مُنْكَرَاتِ الْاِخْلَاقِ...» خدایا مرا از زشتی‌های اخلاق دور گردان، و در همین راستا عالم خود را عالم ارتباط با حق قرار می‌داد و از طریق ارتباط با حق جان خود را زنده و بیدار نگه می‌داشت.

چه کسی است که ناله‌های علی علیه السلام را در نخلستان‌های مدینه نداند، راستی این بزرگانی که تمام دنیا را این چنین کوچک می‌دیدند با نیایش خود چه رازی را بر قلب خود می‌گشودند که هرگز از آن دست نمی‌شستند؟

علماء و مجتهدین ما با آن‌همه مشاغل، اصل حیات خود را در ارتباط با حق از طریق نیایش و نوافل قرار داده بودند و هیچ چیز را با آن عوض نمی‌کردند و سعی می‌کردند با نظم و استمراری که در نیایش و نوافل خود قرار می‌دهند، عالمی با چنین محتواهایی برای خود ایجاد کنند و از بی‌عالمی رها شوند و نیز این قاعده را می‌شناختند که بهشت را به بهانه می‌دهند.

به گفته مولوی:

صوفیی می‌رفت در بغداد زود	در میان راه آوازی شنوود
کان یکی گفت انگبین دارم بسی	می‌فروشم سخت ارزان، کو کسی
شیخ صوفی گفت: ای مرد صبور	می‌دهی هیچی به هیچی؟ گفت دور
تو مگر دیوانه‌ای ای بوالهوس	کس به هیچی کی دهد چیزی به کس؟
هاتفی گفتش که ای صوفی در آی	یک دکان زینجا که هستی برتر آی
تا به هیچی ما همه چیزت دهیم	ور دگر خواهی بسی نيزت دهیم
هست رحمت آفتابی تافته	جمله ذرات را دریافته

آری! آن کسی که متوجه شد در عالم هستی قاعده‌ای هست که به هیچی ما، چیزها می‌دهند، فقر و نیستی خود را به پیشگاه حضرت

پروردگار عرضه می‌دارد و چیزها نصیب خود می‌کند و کسی که این را فهمید جایگاه دعا را شناخته است و یک لحظه از دعا غافل نخواهد شد. حال؛ از این به بعد ما می‌مانیم و دعا، تا از آن طریق؛ عقل و قلب و حرکات خود را سازماندهی کنیم. خداوند؛ جناب شیخ عباس قمی - مؤلف مفاتیح‌الجنان - را رحمت کند، این مرد الهی که خودش مزه دعا را چشیده، در کتابش عمده ادعیه و مناجات و زیاراتی را که انسان‌ها نیاز دارند، آورده است و ما جهت دقت هر چه بیشتر عزیزان نگاه گذرایی به مفاتیح می‌اندازیم.

ترتیب مفاتیح‌الجنان به قرار زیر است:

باب اول: تعقیبات نمازها، دعای روزها، نمازهای مخصوصی که ائمه معصومین علیهم‌السلام می‌خواندند، زیارت معصومین علیهم‌السلام در روزهای خاص، دعا‌های صباح و کمیل و تا مناجات خمس عشر.

باب دوم: در اعمال ماه‌های سال است، از ماه رجب شروع می‌شود و با اعمال ماه شعبان و ماه رمضان ادامه می‌یابد تا جمادی‌الثانی. این باب از مهم‌ترین ابواب مفاتیح همراه با ادعیه و آداب مربوط به ماه‌های مهم سال است.

باب سوم: زیارات است. از آداب زیارت و زیارت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امیرالمؤمنین علیه‌السلام تا زیارت حضرت صاحب‌الامر علیه‌السلام و دعای ندبه و زیارت جامعه با آن‌همه معارف بلندی که در آن‌ها هست، در این باب قرار دارد.

دعای مکارم الاخلاق را نیز در آخر مفاتیح آورده تا از استفاده شایان آن محروم نگردید.^{۲۸}

عمده آن است که جایگاه دعا و نیایش و زیارت را بشناسیم و عقل و قلب خود را در آن‌ها حاضر داشته باشیم و با حالت بقاء و استقرار و طمأنینه، با معانی آن‌ها انس بگیریم و بهره‌ها ببریم.

علاوه بر مفاتیح الجنان در مورد آداب عبادت و دعا، کتاب‌های زیر نیز قابل استفاده است و هر کدام حُسنی دارد که چنانچه برایتان مقدور است سعی کنید از آن‌ها خود را محروم نفرمایید.

۱- اقبال الاعمال از سیدبن طاووس

۲- مفتاح الفلاح از شیخ‌بهایبی که به فارسی ترجمه شده است.

۳- عُدَّةُ الدَّاعِي از ابن فُهْدَحَلِّي که تحت عنوان «آداب نیایش» به فارسی ترجمه شده است.

۴- المراقبات از آیت‌الله‌ملکی تبریزی که با عنوان‌های مختلف ترجمه شده است.

زیارت

چون دوستان در مورد زیارت سؤالاتی مطرح می‌نمایند، به طور مختصر دو نکته یکی در مورد جایگاه زیارت و دیگری در رابطه با آداب زیارت به نحو بسیار مختصر عرض خواهد شد.

۲۸ - برای ابتدای کار جهت استفاده بیشتر از ادعیه و مناجات می‌توانید به «شرح

مناجات‌التائبین» و «شرح دعای مکارم الاخلاق» مراجعه نمایید.

الف: جایگاه زیارت اولیاء الهی و ائمه معصومین علیهم السلام

وقتی متوجه باشیم ذات مقدس نبی اکرم صلی الله علیه و آله، و امامان معصوم علیهم السلام قدرت تصرف بر قلب و جسم انسان‌ها، به خصوص زائر خود را دارند، به این امید به زیارت آن‌ها می‌رویم که آنها از نور ذات معصوم خود، بر قلب ما تجلی دهند، تا ان شاء الله مبادی میل ما از گناه و غفلت، به اطاعت و حضور سیر کند. و نیز چون می‌دانیم ملائکه الله گرداگرد حرم آن ذوات مقدسه حاضرند و فضای آن مکان را به قداست و معنویت مخصوصی تبدیل کرده‌اند، لذا حضور ما در فضای حرم ذوات معصومین علیهم السلام موجب تحت تأثیر قرار گرفتن قلب، از انوار ملائکه خواهد شد و قلب متوجه کمالاتی از عالم غیب می‌شود، و در نتیجه جهت آن در سیر به سوی آن کمالات، ممکن و سهل می‌گردد، و به عبارت دیگر راه ارتباط با عالم غیب برایش ممکن می‌شود. این‌ها و هزاران هزار برکات دیگر نتایج زیارت و حضور در حرم ذوات مقدس معصومین علیهم السلام و منتسبین به معصومین مثل امام زاده‌ها می‌باشد.

انسان‌ها استعدادها و ابعادی دارند که از طریق زیارت و تماس با نور جان اولیاء خدا به تعالی می‌رسد و جلوه‌هایی از ربوبیت حق - که جان اولیاء خدا آینه نمایش آن است - از طریق زیارت و انس روحی با آن‌ها، به نمایش می‌آید.

همان طور که خدای بی‌زمان و بی‌مکان در خانه کعبه بهتر ملاقات می‌شود و حضرت رب العالمین نظری خاص به زائر خانه کعبه دارد، اولیاء خدا نیز در حرم خود بهتر ملاقات می‌شوند و در آنجا نظر خاصی به زائر

خود دارند و اگر او اندک مناسبتی در خود ایجاد کرده باشد او را در حوزه معرفتی خودشان وارد می‌کنند.

در زیارت یک نحوه هجرت از طرف زائر به سوی امام محقق می‌شود و با انجام آداب و سنن زیارت زائر؛ آرام آرام به حریم امامت نزدیک می‌شود تا استعداد فهم آن مقام در او حاصل گردد و اگر آداب و سنن لازمه را رعایت نکرد و بهره بایسته را نگرفت، خود را ملامت کند.

ب: آداب زیارت

در مورد آداب زیارت، مرحوم شیخ عباس قمی «رحمة الله علیه» در مفاتیح از طریق روایت مستند مطالبی را بیان فرموده است. عمده آن است که با دقت تمام به جزء جزء مطالب مطرح شده توجه کنیم.

اگر به مفاتیح عنایت بفرمایید پس از باب اول که در مورد ادعیه بود، باب دوم را که مربوط به «اعمال سنه» می‌باشد آورده است. یعنی اعمالی که مربوط به ماه‌های سال است که از ماه رجب شروع می‌شود و پس از اعمال ماه شعبان و رمضان تا اعمال مربوط به ماه جمادی الاخر، آنچه لازم بوده مطرح کرده اند و پس از آن، باب سوم در باب زیارت را مطرح می‌کنند که عموماً از وسط مفاتیح شروع می‌شود. در این باب پس از تذکراتی راجع به آداب سفر، فصل اول در آداب زیارت است. در این قسمت نکات ارزشمندی در بیست و هشت قسمت مربوط به زیارت همه معصومین علیهم السلام مطرح کرده است. شما تا آن جا که برایتان ممکن است، چنانچه آن دستورات رعایت شود، تأثیر و برکات فوق العاده‌ای از زیارت خواهید گرفت.

مثلاً وقتی در نکته دوم طبق سخن معصوم توصیه به ترک کلام بیهوده و لغو می‌کند، می‌خواهد قلب با آمادگی کامل به حریم رسول خدا ﷺ یا به حریم امام معصوم ﷺ^{۲۹} نزدیک شود و در رویارویی با ملائکه‌ای که به استقبال زائر می‌آیند، تأثیرات لازم را اخذ کند، تا وقتی با انوار مقدس خود امام القلیله^{۳۰} روبه‌رو می‌شود بتواند از انوار جامع انسان کامل، که محل ظهور اسم جامع «الله» است استفاده ببرد و به نحوی به حقیقت امام القلیله^{۳۰} آگاهی پیدا کند. و یا وقتی در توصیه شماره چهار، غسل زیارت را مطرح می‌کند، چون غسل با آب مطلق، قلب را در راستای ارتباط با کمال مطلق، به آمادگی‌های غیر قابل توصیف می‌رساند، این نکته را به ما متذکر شده‌اند. در غسل زیارت مقصود این است که برای راهیابی به محضر پاکان باید خود را پاک کند، جسم را با آب و باطن را با شهادتین، و به سوی حرم آن ولی خدا راه بیفتد. به ما فرموده‌اند: «الْغُسْلُ عِنْدَ لِقَاءِ كُلِّ إِمَامٍ»^{۳۰} یعنی؛ غسل در هنگام ملاقات هر امامی لازم است و به همین جهت ورود انسان ناپاک و جنب به مشاهد مشرفه جایز نیست. زائر در عین این که بدن را با آب غسل می‌دهد با زبان و قلب می‌گوید: «اللَّهُمَّ طَهِّرْنِي وَ طَهِّرْ لِي قَلْبِي وَ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَ اجْرِ عَلَي لِسَانِي مِدْحَتَكَ وَ التَّنَاءَ عَلَيْكَ فَإِنَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي طَهُورًا وَ شِفَاءً». به هر حال هر

۲۹ - بنا به روایات؛ برکات زیارت حضرت ابوالفضل القلیله^{۳۰} و حضرت زینب القلیله^{۳۱} و حضرت معصومه القلیله^{۳۲}، بسیار به زیارت ائمه معصومین نزدیک است و لذا رعایت آداب مربوطه به زیارت در حرم آن‌ها نیز مؤثر خواهد بود.

کدام از این دستورات حکمت و راز مخصوص به خود را دارد و این نوشتار قصد شرح تک تک آن‌ها را ندارد، ولی توصیه می‌شود حتی الامکان به آن نکات بیست و هشتگانه توجه شود.

در مورد اذن دخول؛ همچنان که از محتوای اذن دخول‌ها مشخص است، زائر با اجازه از آن ذوات مقدسه و اذن از پدرانشان و اذن از ملائکه، زمینه توجه آن انوار الهی به قلب خود را فراهم می‌کند. عمده رعایت دقیق آن دستورات، همراه با ادب لازمه آن‌هاست. وقتی می‌گویید در نزدیک شدن به حرم، با آرامی و طمأنینه قدم بزن، می‌خواهد ادب لازمه را در قلب خود ایجاد کنی.

در فصل سوم باب زیارت، آداب زیارت هر یک از معصومین علیهم‌السلام را مطرح می‌کند، از زیارت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم شروع می‌شود و سپس حضرت فاطمه علیها‌السلام و زیارت ائمه بقیع و سپس زیارت امیرالمؤمنین علیه‌السلام در حرم آن حضرت مطرح می‌شود و پس از اعمال مسجد کوفه و مسجد سهله به فصل زیارت امام حسین علیه‌السلام می‌رسد.

در فصل زیارت امام حسین علیه‌السلام در مقصد اول، زائر حضرت امام حسین علیه‌السلام لازم است مطالبی را که مفاتیح در باره فضیلت زیارت آن حضرت بیان کرده با دقت مطالعه کند.

مقصد دوم در مورد آدابی است که زائر حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام باید رعایت کند که در بیست قسمت تذکرات لازم را داده است. در قسمت اول می‌گوید قبل از سفر سه روز روزه بگیر تا ذهن و خیالت از مشغله‌های دنیایی به سوی آن حضرت سیر کند و سپس راه بیفتی به سوی آن

حضرت، و بعد غسل کن و از شهر خارج شو و خلاصه از دستورات بیست گانه، هر کدام را که ممکن است انجام بده. عمده آن است که در این دستورات قلب مؤدب و متذکر باشد.

در قسمت یازده ما را متذکر دو رکعت نماز و سپس تسبیح حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام می کند که سراسر توحید و سیر دادن قلب به حقیقت توحید است.

تسبیح علی علیه السلام این است:

«سُبْحَانَ الَّذِي لَا تَنْفَدُ خَزَائِنُهُ»؛

منزه است خدایی که خزائن او تمام نمی شود،

«سُبْحَانَ الَّذِي لَا تَبِيدُ مَعَالِمُهُ»؛

منزه است خدایی که نشانه های او از بین نمی رود،

«سُبْحَانَ الَّذِي لَا يَفْنَى مَا عِنْدَهُ»؛

منزه است خدایی که آنچه در نزد اوست فناپذیر نیست،

«سُبْحَانَ الَّذِي لَا يُشْرِكُ أَحَدًا فِي حُكْمِهِ»؛

منزه است خدایی که هیچ کس حکمی در مقابل حکم او

نمی تواند داشته باشد،

«سُبْحَانَ الَّذِي لَا اضْمِحْلالَ لِفَخْرِهِ»؛

منزه است خدایی که فخر و بزرگواریش هرگز از بین نمی رود،

«سُبْحَانَ الَّذِي لَا انْقِطَاعَ لِمُدَّتِهِ»؛

منزه است خدایی که گستردگیش به انتها نمی رسد،

«سُبْحَانَ الَّذِي لَا إِلَهَ غَيْرُهُ»؛

منزه است خدایی که هیچ معبودی جز او نیست.

و تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام این است:

«سُبْحَانَ ذِي الْجَلَالِ الْبَازِخِ الْعَظِيمِ»

منزه است خدای صاحب جلال و والایی و بزرگی،

«سُبْحَانَ ذِي الْعِزِّ الشَّامِخِ الْمُتَيْفِ»

منزه است خدای صاحب عزت پر فراز و بلند مرتبه،

«سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ الْفَاحِرِ الْقَدِيمِ»

منزه است خدای صاحب ملک با اختیار پایدار،

«سُبْحَانَ ذِي الْبُهْجَةِ وَالْجَمَالِ»

منزه است خدای صاحب بهجت و جمال،

«سُبْحَانَ مَنْ تَرَدَّى بِالنُّورِ وَالْوَقَارِ»

منزه است خدای در بر دارنده نور و وقار،

«سُبْحَانَ مَنْ يَرَى أَثَرَ التَّمَلُّ فِي الصَّفَا وَوَقَعَ الطَّيْرُ فِي الْهَوَاءِ»

منزه است خدای آگاه به اثر مور در سنگ صاف و وجود

پرنده گان در هوا.

در قسمت سیزدهم می‌فرماید: «بدان که عمده اعمال در حرم مطهر امام حسین دعا است، چون در کنار مرقد مطهر حضرت و به مدد انوار مقدس آن حضرت و انوار ملائکه، بسیاری از حجاب‌های بین قلب زائر و عالم بالا مرتفع می‌شود و لذا دعاها به انسان قدرت سیر می‌دهد تا قلب انسان بتواند به حقایق غیر قابل توصیفی دست یابد. عمده دعاهایی است که مضامین عالیه دارند و قلب انسان را متوجه حقایق عالیه می‌کند، دعای

بعد از زیارت امام رضا علیه السلام یا دعای عالیة المضامین دارای محتوای ناب توحیدی است و اظهار توحید در نزد امام موجب رضوان اکبر خداوند است.^{۳۱} از جمله عوامل انکشاف قلب در حرم امامان تلاوت قرآن است، و از همه مهم تر امکان تحقق و پایداری توبه کنار قبر اولیاء معصوم بسیار بیشتر است و ادب زیارت که همان تغییر منش زائر است پس از برگشت از زیارت از این طریق بسیار عملی تر خواهد بود.

در قسمت هجدهم طلب خیر کردن در حرم آن حضرت را گوشزد می کند که به آن توجه فرمایید.

در مقصد سوم در کیفیت زیارت آن حضرت است. در زیارت اول متذکر می شود همین طور که به سوی حرم در حرکت هستی بسیار بگو: «الله اکبر» و «لا اله الا الله» و «سبحان الله» و یا هر ذکرى که متضمن تمجید و تعظیم حق تعالی است. چون در واقع از طریق این اذکار می خواهی در آینه جمال حسین علیه السلام متوجه خدا شوی و از اول توجه قلب را به خدا می اندازی و جلو می روی و همواره عظمت های الهی در جمال حضرت حسین علیه السلام بر قلب تو جلوه می کنند و همچنان صلوات می فرستی تا به حائر برسی، بایست و از دور بگو:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَ ابْنَ حُجَّتِهِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ وَ زُوَّارَ قَبْرِ ابْنِ نَبِيِّ اللَّهِ». پس ده گام بردار، پس بایست و سی مرتبه بگو: اللَّهُ أَكْبَرُ پس برو به جانب قبر از پیش رو و مقابل کن روی خود را با روی آن حضرت و قرار ده قبله را مابین دو کتف خود یعنی پشت به قبله باش،

پس بگو: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَابْنَ حُجَّتِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَتِيلَ اللَّهِ وَابْنَ قَتِيلِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَارَ اللَّهِ وَابْنَ نَارِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَتَرَ اللَّهُ الْمُؤْتُونَ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَشْهَدُ أَنَّ دَمَكَ سَكَنَ فِي الْخُلْدِ وَاقْشَعَرْتَ لَهُ أَظِلَّةُ الْعَرْشِ وَبَكَى لَهُ جَمِيعُ الْخَلَائِقِ وَبَكَتْ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّنْعُ وَالْأَرْضُونَ السَّنْعُ وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَمَنْ يَتَقَلَّبُ فِي الْجَنَّةِ وَالنَّارِ مِنْ خَلْقِ رَبِّنَا وَمَا يُرَى وَمَا لَا يُرَى أَشْهَدُ أَنَّكَ حُجَّةُ اللَّهِ وَابْنُ حُجَّتِهِ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَتِيلُ اللَّهِ وَابْنُ قَتِيلِهِ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ نَارُ اللَّهِ وَابْنُ نَارِهِ [نَائِرُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ وَابْنُ نَائِرِهِ] وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ وَتَرَ اللَّهُ الْمُؤْتُونَ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ وَ نَصَحْتَ وَ وَفَيْتَ وَ أَوْفَيْتَ وَ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ مَضَيْتَ لِلَّذِي كُنْتَ عَلَيْهِ شَهِيدًا وَ مُسْتَشْهِدًا وَ شَهِيدًا وَ مَشْهُودًا أَنَا عَبْدُ اللَّهِ وَ مَوْلَاكَ وَ فِي طَاعَتِكَ وَ الْوَأْفِدُ إِلَيْكَ التَّمِيسُ كَمَالُ الْمُنْزَلَةِ عِنْدَ اللَّهِ وَ تَبَاتَ الْقَدَمُ فِي الْهَجْرَةِ إِلَيْكَ وَ السَّبِيلُ الَّذِي لَا يُخْتَلَجُ دُونَكَ مِنْ الدُّخُولِ فِي كِفَالَتِكَ الَّتِي أُمِرْتُ [أُمِرْتُ] بِهَا مِنْ أَرَادَ اللَّهُ بِكُمْ بِكُمْ يُبَيِّنُ اللَّهُ الْكُذْبَ وَ بِكُمْ يُبَاعِدُ اللَّهُ الزَّمَانَ الْكَلْبَ وَ بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَ بِكُمْ يَخْتِمُ اللَّهُ وَ بِكُمْ يَمْحُو مَا يَشَاءُ وَ [بِكُمْ] يُثَبِّتُ وَ بِكُمْ يُفَكُّ الدَّلَّ مِنْ رِقَابِنَا وَ بِكُمْ يُدْرِكُ اللَّهُ تَرَةً كُلِّ مُؤْمِنٍ يُطَلَّبُ بِهَا وَ بِكُمْ تُنْبِتُ الْأَرْضُ أُشْجَارَهَا وَ بِكُمْ تُخْرَجُ الْأَرْضُ ثِمَارَهَا وَ بِكُمْ تُنْزِلُ السَّمَاءُ قَطْرَهَا وَ رِزْقَهَا وَ بِكُمْ يَكْشِفُ اللَّهُ الْكَرْبَ وَ بِكُمْ يُنْزِلُ اللَّهُ الْغَيْثَ وَ بِكُمْ تُسَبِّحُ [تَسْبِيحُ] الْأَرْضُ الَّتِي تَحْمِلُ أَيْدَانَكُمْ وَ تَسْتَقِرُّ جِبَالُهَا عَنْ [عَلَى] مَرَأْسِهَا إِرَادَةُ الرَّبِّ فِي مَقَادِيرِ أُمُورِهِ

تَهَيَّبْتُ إِلَيْكُمْ وَ تَصَدَّرُ مِنْ بِيوتِكُمْ وَ الصَّادِرُ عَمَّا فَضَّلَ مِنْ أَحْكَامِ الْعِبَادِ لُعِنَتْ
 أُمَّةٌ قَتَلَتْكُمْ وَ أُمَّةٌ خَافَتْكُمْ وَ أُمَّةٌ جَحَدَتْ وَ لَا يَتَكُمُ وَ أُمَّةٌ ظَاهَرَتْ عَلَيْكُمْ وَ
 أُمَّةٌ شَهِدَتْ وَ لَمْ تُسْتَشْهَدْ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ النَّارَ مَأْوَاهُمْ وَ بِنَسِ وَرُدُّ
 الْوَارِدِينَ وَ بِنَسِ الْوَرْدِ الْمَوْرُودِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ». پس بگو سه
 مرتبه و صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ پس سه مرتبه بگو اَنَا إِلَى اللَّهِ مِمَّنْ
 خَالَفَكَ بَرِيءٌ پس بر می خیزی می روی نزد قبر فرزند آن حضرت
 علی بن الحسین «علیهما السلام» که در نزد پای پدرش مدفون است پس می گویی:
 «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ
 عَلَيْكَ يَا ابْنَ الْحُسَيْنِ وَ الْحُسَيْنِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ خَدِيجَةَ وَ فَاطِمَةَ صَلَّى
 اللَّهُ عَلَيْكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ» می گویی
 این را سه مرتبه و سه مرتبه اَنَا [اَنَا] إِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ بَرِيءٌ پس بر می خیزی و
 اشاره می کنی به دست خود به سوی شهداء «رضی الله عنهم» و می گویی: «السَّلَامُ
 عَلَيْكُمْ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ فَزْتُمْ وَ اللَّهُ فَزْتُمْ وَ اللَّهُ فَزْتُمْ وَ اللَّهُ
 فَلَيْتَ أَنِّي مَعَكُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا». پس بر می گردی و می گردانی قبر
 ابو عبدالله عليه السلام را مقابل خود یعنی پشت قبر مطهر می ایستی و شش رکعت
 نماز می گزاری و چون چنین کردی زیارت تمام شد پس اگر خواستی
 برگردی، برگرد.

خوب است اگر صبح و عصر به زیارت می روی در صبح یکی از
 زیارت های حضرت و در عصر زیارت جامعه کبیره را بخوانی و سپس در
 کنار آن حضرت مشغول دعا و نماز شوی.

از جمله زیارات حضرت؛ زیارت وارث است که پس از انجام آداب اولیه، چون وارد حرم آن حضرت شدی آن را می‌خوانی و متوجه زیارت حضرت علی اکبر علیه السلام و سایر شهداء می‌شوی. و نیز اهل معرفت زیارت عاشورا را مربوط به همهٔ زمان‌ها می‌دانند و لذا چقدر خوب است زیارت حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام از طریق زیارت عاشورا غفلت نشود. البته ما در این جا به محتوای زیارت نپرداختیم و در بحث مختصری زیارت عاشورا را شرح نمودیم، در حالی که همهٔ این زیارات دارای معانی و معارف بلندی است که لازم است عزیزان به آن توجه داشته باشند.

آداب زیارت امام رضا علیه السلام

مرحوم شیخ عباس قمی «رحمة الله علیه» در ادامهٔ بحث زیارات ذوات مقدسهٔ معصومین علیهم السلام در فصل نهم به بحث زیارت امام رضا علیه السلام می‌پردازند. ابتدا فضیلت زیارت آن حضرت را متذکر می‌شود و نقش و تأثیر زیارت آن حضرت را در دنیا و آخرت زائر بنا به روایت معتبر ذکر می‌کنند.

سپس به کیفیت زیارت آن حضرت می‌پردازند. البته بحثی که در مورد زیارت هر کدام از ذوات مقدسه معصومین علیهم السلام شد را ابتدا انجام می‌دهید و سپس به آداب زیارت مخصوص حضرت می‌پردازید که پس از غسل و ذکر مخصوص آن، از خانه خارج می‌شوی و اذکار مخصوص را می‌گویی.

باز در کنار قبر مطهر آن حضرت راه‌های ارتباط با عالم غیب به نحو فوق‌العاده‌ای باز است و لذا از دعا و ذکر و نماز به خصوص نماز جعفر

طیار نباید غافل شد. حال چنین شرایطی اگر با ماه‌هایی مثل ماه رجب و ماه رمضان که خود آن ماه‌ها به تنهایی شرایط فوق‌العاده‌ای جهت ارتباط با عالم غیب دارند، جمع شود، نور^{۳۲} علی نور می‌شود. هم چنین است زیارت آن حضرت در شب و روز جمعه.

باید بدانید که مواقف کریمه و مشاهد شریفه شرایط خاصی دارند که انسان مؤمن اگر تا حدی قلبش آماده باشد می‌تواند به آرمان‌های روحانی خود بهتر دست بیابد و لذا تا حدّ ممکن باید استفاده لازم را از آن مواقف کریمه نمود. در آخر هم در دعای وداع اظهار می‌داری؛ ای امام! خداحافظ،^{۳۳} و از خدا می‌خواهی این زیارت آخرین زیارت تو نباشد. چون با هر بار زیارت، و به اندازه‌ای که روح و قلب ما آماده شده است، پرده‌ای از پرده‌های بین ما و عالم غیب مرتفع می‌شود. البته از این نکته غفلت نکنید که زیارت نباید برای ما عادی شود و لذا آن‌هایی که در زمان‌های نزدیک به نزدیک زیارت می‌کنند، باید احتیاط نمایند و سعی کنند قلب خود را آماده کنند و سپس مشرف شوند. باز عنایت داشته باشید که هر چند روز که در آن شهر هستید، هر روز صبح که به قصد زیارت حرکت می‌کنید - اعم از زیارت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و یا حضرت اباعبدالله علیه السلام یا زیارت امام رضا علیه السلام و سایر ائمه - مثل آن عمل کنید که تازه وارد شهر شده‌اید، تمام آداب و اذکار لازمه را رعایت کنید.

۳۲ - عنایت داشته باشید که «السلام» هم به معنی درود برای ابتدای ملاقات است، و هم به

معنی درود و خداحافظی در انتهای ملاقات.

این که ما به عنوان نمونه مطالبی در مورد زیارت حضرت سیدالشهداء علیه السلام و حضرت رضا علیه السلام مطرح کردیم، برای آن بود که دقت شما عزیزان را به دستورات مفاتیح الجنان بیشتر کنیم، و گرنه در زیارت هر کدام از ذوات معصومین علیهم السلام رازها و حکت‌هایی نهفته است که خودشان با انوار الهیة خودشان، ما را متوجه آن‌ها خواهند کرد، عمده آن است که ما متوجه باشیم که دائم به ما می‌گویند:

گوش دل را یک دمی این سویار | تا بگویم با تو از اسرار یار

«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»